

نقد تیم ملی با سه عنصر نتیجه، کیفیت و دستاورد

دقیقاً باید از چه چیزی خوشحال باشیم؟

محمد فرکزلو

روزنامه نگار

فضای رسانه‌ای غالب قبل از هر جام جهانی به گونه‌ای است که انگار همه باید حمایت کنند. فضای رسانه‌ای حین جام جهانی نیز همواره بر این راستا پیش رفته اما عجیب آنجاست که حالا فضای بعد از حذف نیز انگار به سمتی پیش می‌رود که نباید آنچه تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ رقم زد را نقد کرد و فقط باید نیمه پریلیون را دید و انتقاد وارد نیست.

واقعیت این است که همه بر معضلات جنگ و لطماتش برر روند آماده‌سازی تیم ملی واقفیم. همه می‌دانیم که تیم ملی حداقل در آخرین فینادی قبل از جام جهانی بازی‌های تدارکاتی مناسب و مفیدی نداشت، دیر به کمپ خود در مکزیک رفت، رفت و آمد از مکزیک به آمریکا اختلافاتی در روند ریسک‌آوری بعد از هر بازی ایجاد کرد و... اما در طرف مقابل ببینیم که هیچ تیمی زودتر از تیم ایران وارد اردوهای آماده‌سازی نشد و همان قدر که تعطیلی لیگ برتر می‌تواند به ضرر تیم ملی باشد شروع زودهنگام اردوها مزیتی است که نصیب هیچ تیمی نشد.

به هر حال نقد تیم ملی باید براساس دستاورد به عنوان نتیجه، کیفیت فوتبال و البته ساختن تیمی تازه یا ظهور و بروز ستاره‌ها و استعدادهایی که به فوتبال ملی و دنیا معرفی شوند مورد سنجش قرار بگیرد که با قاطعیت می‌توان گفت حداقل در دو بخش از این سه بخش شکست خوردیم.

نتیجه، خوب، بد، زشت

شاید اگر قبل از شروع تورنمنت برای پیش بینی نتایج تیم ملی نظرسنجی انجام می‌دادید یا در بحث‌های خودمانی به این موضوع می‌پرداختید هیچ‌کس از پایان مسابقات مرحله گروهی بدون باخت حرف نمی‌زد. نگارنده معتقدم که بارها در پیش‌بینی‌های قبل از جام به دو مساوی و یک باخت یا یک مساوی و دو باخت اشاره کرده بودم اما سه مساوی چیزی نبود که کسی به آن اشاره کرده باشد. این پیش‌بینی یا توجه به مشکلات موجود در راه آماده‌سازی تیم ملی و کیفیت حرفان تیم ایران صورت می‌گرفت اما در عمل چیز دیگری اتفاق افتاد.

بلژیک تیم سید یک گروه ما پایین‌تر از حد انتظار همه اهالی فوتبال بود و بعد از بازی‌های دور اول این طور به نظر می‌رسید که مصر کیفیتی بالاتر از بلژیک دارد. در واقع هر چه از تورنمنت گذشت مشخص شد ضعیف‌ترین تیم سید یک نصیب ما شده و گروه ما، اگر بگویم راحت‌ترین گروه، حداقل یکی از سه گروه راحت تورنمنت بوده است. نتایج خوبی قلمداد شد و همه از تساوی مقابل نیوزیلند انتقاد کردند. در عین حال به این نکته اشاره شد که در هر سه مسابقه سه گل مزدود و یک پنالتی از دست رفته داشتیم و اتفاقات مسابقه هم به ضررمان رقم خورد اما هیچ‌کس نگفت که بلژیک قبل از تقابل با ما بهترین بازیکن خود را از دست داد و حدود ۲۰ دقیقه دهنه بازی کرد. با کسی نگفت که مصر در بازی سوم مقابل ما نیز به پیروزی نداشت، در نیمه اول یک بازیکن خود را به دلیل پارگی رباط صلیبی از دست داد و انگار اراده و عزم جدی برای پیروزی وجود نداشت. در واقع این طور به نظر می‌رسید که کادرفنی تیم ملی دستمیز با این بازیکنان در دست داشته‌ایم و دستاورد فنی هم نداشته‌ایم.

در عین حال با در نظر گرفتن شرایط و شخص و مباحث فوق سؤال اینجاست که دقیقاً باید از چه چیزی خوشحال و راضی باشیم و چرا نقد نکنیم؟

چرا طارمی باید تمام بضاعت ما در فوتبال ملی باشد

عابدینی: جام جهانی تور تفریحی نیست که توریست ببریم

امیر عابدینی مصاحبه جالبی درباره حذف تیم ملی از جام جهانی انجام داده که مهم‌ترین جملاتش را می‌خوانید.

نمی‌دانم چرا ما این قدر قانع هستیم. بضاعت ما خیلی بیشتر از این است که با نتایج کنونی شادی کنیم. ما واقعاً سطح‌مان این است که به جمع ۴ تیم بررویم و خوشحال شویم؟ به ۲۲ تیم نرسیم و باز هم خوشحال باشیم و بگویم چون شکست نخورده‌ایم، یعنی موفق بوده‌ایم؟ سازمان هدایتی تیم ملی مشکل داشت. این سازمان که دقیقاً مسئولیتش با فدراسیون فوتبال است، در جایی لوٹ شد. کجا؟ جایی که برخی آمدند و گفتند که اگر آن اتفاق بیفتد به مسابقات نمی‌رویم و اگر فلان اتفاق بیفتد، می‌رویم. فدراسیون‌ها نخبه‌های بسیاری دارد؛ اگر نمی‌توانیم

کیفیت؛ حرفش را نزنید

قداً تا کادرفنی تیم ملی برای هر مسابقه پلن داشته کمانچکه امیر قلعه‌نویی قبل از بازی مصر گفت برای تک‌تک دقایق بازی برنامه داریم اما کیفیت تیم ملی حداقل در فاز حمله و مدل حمله در هر سه مسابقه چیزی نبود که به آن افتخار کنیم یا چیز تازه و نویی در تیم ایران بدانیم. واقعیت این است که بازیسازی و ساخت بازی از عقب به بدترین شکل ممکن انجام می‌شد چراکه مدافعان ما بیشتر در پی رفع تکلیف و فرار از اشتباه فردی بودند تا ساخت بازی. در عین حال ارتباطی بین خطوط شکل نمی‌گرفت و خبری از بالا آمدن پله به پله و تدریجی نبود. همچنین تیم ملی هیچ‌گاه در طول سه بازی نتوانست دقایق قابل توجه در زمین حریف دنباله دیکته کردن فوتبال خود به حریفش باشد یا حریفش را تحت فشار بگذارد چراکه اساساً برای تصاحب توپ در نیمه زمین حریف برنامه‌ای وجود نداشت یا حداقل درست اجرا نمی‌شد.

باید واقعیت را پذیرفت که تیم ملی در این تورنمنت فوتبال باکیفیتی بازی نکرد و از این حیث دل‌مان به خاطر حذف در مرحله مقدماتی نمی‌سوزد. مشخصاً در هر سه مسابقه تمام موقعیت‌های گل براساس اوت بلند و ضربات ایستگاهی به دست آمد و با اینکه برخی از گل‌ها در جریان بازی اتفاق افتاد اما هیچ کدام حاصل فوتبال برتر و تحت فشار قرار گرفتن حریف نبود و در هر سه بازی نتوانستیم حتی برای ۵ دقیقه متوالی دست بالا را داشته باشیم. باید واقعیت را پذیرفت که مثل تیم‌های کم‌بینه غالباً دنبال دفاع مطلق و استفاده از ضربات ایستگاهی و ضد حملات سریع بودیم که در بخش اول تا حدی کارمان پیش رفت چراکه هم موقعیت ساختیم هم به گل رسیدیم اما در ضد حمله سریع کاملاً ناموفق بودیم.

دستاورد؛ درباره چی

حرف می‌زنید؟ به صراحت می‌توان گفت تیم ملی از این تورنمنت دستاورد فنی مشخص و سودمندی نداشت چراکه نه از حیث مدل تاکتیکی چیز تازه‌ای رو کرد نه بازیکن یا نسل تازه‌ای از بازیکنان در حد ملی بالا آمدند. امیرحسین محمودی و کسری طاهری قبل از تورنمنت خط خوردند و به امیرمحمد رزاق نیا و دانیال ابری حتی یک دقیقه بازی نرسید. تیم ملی برای سومین جام جهانی متوالی با دو مدافع چپ تکراری (محمدی و حاج صفی) بازی کرد و بازیکنانی در ترکیب قرار گرفتند که تقریباً همگی تجربه جام جهانی نداشتند. همچنین سردرگمی عجیبی درباره چیدمان ترکیب و تغییرات حین بازی وجود داشت که هیچ کدام نتیجه مشخص و بارزی ایجاد نکرد. در واقع همین که حالا تیم جدیدی نداریم که برای جام ملت‌های آسیا پخته شده باشد یعنی از این جام غیر از بحث نتیجه و دستاورد فنی هم نداشته‌ایم.

در عین حال با در نظر گرفتن مباحث فوق سؤال اینجاست که دقیقاً باید از چه چیزی خوشحال و راضی باشیم و چرا نقد نکنیم؟

نه آینده را ساختیم، نه نتیجه گرفتیم

وقتی به جای تیم «سیاهی» لشکر بودیم!

حمیدرضا عرب

روزنامه نگار

جام جهانی تمام شد؛ با سه امتیاز، بدون شکست، اما بدون پیروزی. ایران از تورنمنتی بیرون آمد که قرار بود یا نتیجه بگیرد یا برای آینده سرمایه‌گذاری کند. نه این شد و نه آن. تیم ملی با عنوان پرتزین تیم جام به خانه برگشت و در عین حال حتی از فرصت ساختن نسل بعد نیز استفاده نکرد.

فهرست تیم ملی پراز بازیکنانی بود که فقط سفر کردند. بدون آنکه فرصت واقعی برای کمک به تیم پیدا کنند. اگر سیدحسین حسینی و پیام نیازمند را کنار بگذاریم که شرایط دروازه‌بان‌ها متفاوت است و تا زمانی که گلر اول عملکرد قابل قبولی دارد، تغییر منطقی به نظر نمی‌رسد، چهار بازیکن دیگر حتی یک دقیقه هم فرصت بازی پیدا نکردند. این یعنی بخشی از لیست اساساً در تصمیمات فنی جایی نداشت.

رزاق نیا؛ فرصت‌سوزی بزرگ

امیرمحمد رزاق نیا شاید بزرگ‌ترین علامت سؤال این جام باشد. بازیکنی که پیش از اعلام فهرست نهایی حتی تصور می‌شد در ترکیب اصلی قرار بگیرد. او در بازی‌های تدارکاتی اعتماد کادرفنی را به دست آورده بود و نشانه‌ها حکایت از آن داشت که قلعه‌نویی روی این هافبک دفاعی حساب ویژه‌ای باز کرده است، اما ناگهان همه چیز تغییر کرد. نه در ترکیب اصلی حضور داشت و نه حتی در تعویضی‌ها، حتی یک دقیقه! هیچ!

شاید اگر قلعه‌نویی اندکی جسارت برانکو ایوانکوویچ را داشت، درست مانند همان جسارتی که در جام جهانی ۲۰۰۶ باعث شد آندرانیک تموریان به میدان برود و تبدیل به شگفتی ترکیب شود، امروز فوتبال ایران صاحب یک هافبک دفاعی با تجربه‌تر بود.

رزاق نیا دقیقاً در همان موقعیت قرار داشت. یک تصمیم نهم تنها کمکی به تیم ملی نکرد، بلکه شاید به روند حرفه‌ای خود این بازیکن نیز آسیب زد.

مهدی قایدی، امیرحسین حسین‌زاده، علی علیپور و مهدی تراهی نیز شرایط مشابهی داشتند. قایدی و علیپور فقط در دیدار برابر نیوزیلند فرصت حضور پیدا کردند. حسین‌زاده نیز دقایقی کوتاه به میدان رفت و مقابل بلژیک فرصت محدودی پیدا کرد. این دقایق کوتاه نه برای ارزیابی بازیکن کافی بود و نه برای تغییر روند مسابقه.

دریغ از یک توضیح کوتاه

دنس اکرت دیگر بازیکنی بود که تمام جام را از روی نیمکت تماشا کرد. این در حالی است که فدراسیون فوتبال زمان قابل توجهی صرف دریافت مجوز حضور او در تیم ملی کرد. انتظار می‌رفت توضیح شفافی نیز از سوی کادرفنی یا فدراسیون ارائه نشد. به‌تازگی رسانه رسمی فدراسیون از روحیه بازیکنان نوشته است و از همدلی‌ها رونمایی کرده است. رویکردی که البته قابل احترام است؛ اما درباره اکرت هیچ پاسخی داده نشد.

بسیاری تصور می‌کردند او می‌تواند به یکی از چهره‌های موفق بازیکنان

روزبه چشمی نیز هرگز فرصت بازی پیدا نکرد. این سومین جام جهانی او بود، اما باز هم سهمش تماشای مسابقات از روی نیمکت شد. دعوت چشمی از همان ابتدا با پرسش‌های زیادی همراه بود. اگر مصدوم بود، چرا در فهرست قرار گرفت؟ اگر آماده بود چرا حتی در شرایطی که تیم نیاز به تغییر داشت، فرصت بازی پیدا نکرد؟

این سؤال همچنان بی‌پاسخ مانده است. شاید حضور او فقط برای انتقال تجربه در اردو مفید بوده باشد، اما آیا برای چنین نقشی باید سهمیه ارزشمند جام جهانی را به یک بازیکن اختصاص داد؟ انتظار می‌رود کادر پزشکی و فنی تیم ملی درباره وضعیت چشمی توضیح روشنی ارائه کنند.

بازی کردن برای ثبت‌آمار

در سوی دیگر، بازیکنانی بودند که بازی کردند. اما آن قدر کم که حضورشان بیشتر شبیه ثبت یک‌آمار بود تا ایفای نقش واقعی.

آریا یوسفی نمونه بارز این وضعیت است. او در بازی نخست به عنوان بازیکن ثابت وارد میدان شد، اما در دو مسابقه بعدی کاملاً از معادلات خارج شد. این تصمیم نهم تنها کمکی به تیم ملی نکرد، بلکه شاید به روند حرفه‌ای خود این بازیکن نیز آسیب زد.

مهدی قایدی، امیرحسین حسین‌زاده، علی علیپور و مهدی تراهی نیز شرایط مشابهی داشتند. قایدی و علیپور فقط در دیدار برابر نیوزیلند فرصت حضور پیدا کردند. حسین‌زاده نیز دقایقی کوتاه به میدان رفت و مقابل بلژیک فرصت محدودی پیدا کرد. این دقایق کوتاه نه برای ارزیابی بازیکن کافی بود و نه برای تغییر روند مسابقه.

مشکل دقیقاً همینجا بود. قلعه‌نویی پیش از جام جهانی باید تکلیف خودش را روشن می‌کرد. یا تیمی برای آینده می‌ساخت و بهای آن را می‌پرداخت یا همه چیز را روی نتیجه گرفتن می‌گذاشت. او اما در میانه این دو راه ماند. نه نسل جدید را ساخت، نه نتیجه‌ای فراتر از سه تساوی به دست آورد. حاصل این تردید تیمی شد که هم لقب پرتزین تیم جام را گرفت و هم بدون خلق سرمایه‌ای تازه به خانه بازگشت. شاید بخشی از ناکامی فوتبال ایران دقیقاً از همین نقطه آغاز شده باشد، از ترس تصمیم گرفتن و جسارت نداشتن برای ساختن فردا.



یک نسخه بپیچیم؟ آقای قلعه‌نویی؛ شما در ۱۰ دقیقه پایانی بازی با مصر به چه‌ها اجازه دادی خودشان باشند. آن زمانی که خودشان بودند، مصر را به عقب راندیم. خودت ترسیدی و بچه‌ها را هم ترساندی. علیرضا جهانبخش چرا در دقیقه ۹۰ وارد زمین شد؟ برای اینکه شتاب حمله بیشتر شود؛ خوب چرا در دقیقه ۹۰؟ چرا دقیقه ۸۰ نه؟ قایدی چرا نبود؟ این ترس و وحشت بود که باعث شد مدافعان ما با همان آرایش در زمین بمانند و در نیمه دوم فقط ۱۰ دقیقه فوتبال بازی کنیم.

خوشبختانه هنوز الزایمر نگرفته‌ایم و مصاحبه سرمربی تیم ملی یادمان نرفته است. ایشان بعد از قرعه‌کشی خیلی شاد بود و می‌گفت می‌توانیم از مرحله گروهی صعود کنیم. حتی قبل از شروع جام جهانی هم گفت حداقل ۵ امتیاز می‌گیریم، واقعاً بلژیک، بلژیک همیشگی بود؛ یا مصر زمانی که محمد صلاح را بیرون کشید، نشانی از یک

روى خط جام جهانی

داستان اتریش - الجزایر ادامه دارد

انتشار ویدیوهای جدید درباره تباہی

واکنش‌ها به تساوی دقیقه‌آخری اتریش و الجزایر ادامه دارد. نتیجه‌ای که باعث حذف تیم ملی از جام جهانی شد. کاربر عرب‌زبان محمد واموسی نوشت: «پس از تساوی همچنان انگیز ۳-۳ میان الجزایر و اتریش که با محاسبات جدول باعث حذف ایران شد، چند ویدیو در حال انتشار است که نشان می‌دهد دو تیم در جریان بازی جدید لازم را نداشتند. یکی از این ویدیوها که تقریباً به همه زبان‌ها با سرعت می‌دهد در میانه بازی توپ را رها کرده و داخل زمین مشغول گرم‌کردن بدنش شده است.»

صفحه عربی منصفه اخبار به نوشت: «رسوایی کانزاس میان الجزایر و اتریش در جام جهانی. نیمکت تیم ملی الجزایر بعد از گل سوم، محرز را سرزنش می‌کند، صحنه‌ای که رسوایی کانزاس میان الجزایر و اتریش را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد الجزایر توافق قبلی دو طرف برای تساوی را به هم زده بود.»

کاربر فرانسوی‌زبان Maysara al-Matghari نیز نوشت: «رسوایی برای فوتبال و فیفا. لحظه گل سوم الجزایر، صحنه‌ای سوررئال روی نیمکت‌ها دیده شد. اتریش: «هی، قرار بود این بازی را با تساوی تمام کنیم.» الجزایر: «نگران نباشید، می‌گذاریم گل مساوی را بزنید.» فیفا باید برای حفظ روح ورزشی و ارزش جام جهانی تحقیق کند.»

صفحه‌ای با نام Soccer در واکنش به چهره رامی بن‌سبعینی بعد از گل محرز نوشت: «واکنش عجیب رامی بن‌سبعینی بعد از اینکه هم‌تیمی‌اش ریاض محرز مقابل اتریش گل زد و الجزایر را موقتاً ۳ بر ۲ جلو انداخت. این طبیعی نیست. از کی بازیکنان وقتی در آستانه گرفتن سه امتیاز در جام جهانی هستند ناراحت به نظر می‌رسند؟»

کاربر ترکیه‌ای KAN GEDIK ویدیوی جالبی را منتشر کرده است، جایی که تانبه‌هایی قبل از گل سوم اتریش، هفت بازیکن الجزایر به طرز عجیبی به گوشه زمین هجوم برده و تلاش می‌کنند توپ را از یک بازیکن حریف بگیرند! هجوم یکپاره هفت بازیکن الجزایر در شرایطی که تنها دو بازیکن اتریش در آن منطقه از زمین هستند، باعث خالی شدن خط دفاعی شده است. این کاربر با انتشار این ویدیو نوشت: «در بازی الجزایر و اتریش، وقتی الجزایر در وقت‌های اضافه جلو افتاد، به جای اینکه عقب بنشینند و نتیجه را حفظ کنند، هفت نفر به سمت بازیکن کناری رفتند و اتریش از مرکز خالی گل خورد. یک بازی‌نشت انجام شد تا ایران به دور بعد نرود.»

صفحه فرانسوی‌زبان ENDM Trolls با انتشار ویدیویی از مارکو آرناتوویچ، مهاجم تیم ملی اتریش در لحظه گل تساوی تیمش که بجای خوشحالی، به سمت نیمکت الجزایر رفته و در حال اعتراض است، نوشت: «به گفته برخی، واکنش اتریشی‌ها بعد از گل تساوی این تصور را ایجاد می‌کند که توافق قبلی وجود داشته است. این ویدیو به عنوان نشانه‌ای برای تأیید این برداشت ارائه می‌شود.»

کاربر عرب‌زبان مصطفی نوشت: «رسوایی جام جهانی. اتریش الجزایر عمداً توافق تساوی را از ریاض محرز پنهان کرد، چون ریشه سرکشی دارد. بعد از اینکه گل سوم را زد به او گفتند، برای همین چهره‌اش تغییر کرد و صلبانیت و حسرت در صورتش دیده شد.»

اتفاق عجیب در کره جنوبی

تهدید سرمربی به قتل

بعد از حذف تیم ملی کره از جام جهانی یک کاربر اینترنتی در کره هونگ میونگ یو سرمربی این تیم را تهدید کرد که به محض بازگشت، او را به قتل می‌رساند.

در همین رابطه، یک مقام پلیس گفت: «ما تصمیم گرفته‌ایم مأموران را برای جلوگیری از حوادث ایمنی که ممکن است در طول فرایند ورود رخ دهد، مستقر کنیم.» او افزود: «ما به شدت به هرگونه اقدام غیرقانونی، از جمله پرتاب اشیاء، پاسخ خواهیم داد.» بر این اساس، نیروی پلیس فرودگاه اینچون قصد دارد در مجموع حدود ۱۱۰ نیرو، شامل سه واحد سیار از پلیس کالانشهر اینچون و افسران پلیس فرودگاه را همزمان با ورود کاروان تیم ملی در فرودگاه بین‌المللی اینچون مستقر کند.

مشخص شده که تیم ملی درخواست حفاظت شخصی جداگانه‌ای از پلیس نکرده است. با این حال، پلیس با توجه به پیام‌های تهدیدآمیز اخیر علیه هونگ میونگ یو، قصد دارد نظم و امنیت را حفظ کند و برای ازدحام احتمالی هواداران نیز آماده باشد. پیام‌های تهدیدآمیز علیه سرمربی کره تقریباً در همه جایافت می‌شود. پلیس پیگیری کرده‌اند راه‌سود بگیرد قرار داده است. علاوه بر این، پلیس اعلام کرده با هرگونه اقدام غیرقانونی از جمله پرتاب اشیاء، حمله یا ایجاد اختلال در روند بازگشت تیم ملی برخورد خواهد کرد. دشمن مردم زمانی به اوج رسید که فدراسیون کره به این سرمربی اجازه داد در ساعات اولیه صبح دپورز، از سایر اعضای تیم، به کشور بازگردد تا از مواجهه مستقیم با هواداران اجتناب کند. این نخستین بار از زمان جام جهانی ۲۰۰۲ کره و ژاپن است که تیم ملی کره پس از پایان مسابقات، مراسم رسمی استقبال و بازگشت برگزار نمی‌کند. البته این طور نیست که توریست مردم زمانی برای بازگشت تیم باشد. سایر بازیکنان بعداًظهر به کره می‌رسند اما در میان تمام پروازهای این شرکت هواپیمایی، تنها پرواز هونگ میونگ یو در ساعات اولیه صبح فرود می‌آید. همین موضوع باعث شده بسیاری از هواداران کره‌ای معتقد باشند زمان بازگشت او عمداً طوری انتخاب شده تا کمترین مواجهه را با مردم داشته باشد.